

## مخالفت فرانسه با توافق هسته‌ای و ظهور محور واقعی شیطانی

محمد سهیمی

مذاکرات فشرده سه روزه در ژنو بین ایران و گروه ۵+۱ - پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان - پیشرفت‌های زیادی داشت، ولی به یک توافق میان مدت منجر نشد. پیشرفت آنقدر بود که دو طرف تصمیم گرفتند که بار دیگر در بیستم نوامبر دوباره به ژنو برگردند تا مذاکرات را ادامه دهند. دلائل چندی برای نرسیدن به یک موافقت نامه ذکر شده است، ولی می‌توان آنها را بدو بخش تقسیم کرد: انتظارات ایران از ۵+۱ در قبال کم کردن سرعت برنامه هسته‌ای خود، و انتظارات متقابل ۵+۱ از ایران در برابر به حالت تعلیق در آوردن موارد جزئی از تحریمات خود بر ضد ایران

جمهوری اسلامی قبول کرده است که غنی سازی در سطح ۱۹.۷۵ در صد را به حالت تعلیق در آورد، ولی فرانسه ظاهراً اینرا کافی ندانسته، و خواهان توقف ساخت رآکتور آب سنگین در اراک، همچنین عدم نصب و کار کردن سانتریفیوژهای پیشرفته ایران، و رقیق کردن درجه غنای اورانیوم غنی شده ایران از سطح ۱۹.۷۵ در صد به سطح ۳-۵ در صد، و یا انتقال آن به خارج از ایران است. ایران در حال حاضر دارای حدود ۱۸۶ کیلو گرم اورانیوم غنی شده ۱۹.۷۵ در صد است. آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا گفت که با برخی از انتظارات فرانسه موافق است، ولی آنها را ذکر نکرد. در عین حال، این خود نشان از اختلاف بین آمریکا و متحدان اروپایی آن می‌باشد

جمهوری اسلامی در برابر اقدامات اعتماد ساز خود انتظار کم شدن تحریم‌های اقتصادی غرب بر ضد ایران را دارد، که در عمل به معنی کم کردن تحریم نفتی ایران، و همچنین کم کردن و یا پایان دادن به تحریم بانک‌ها و موسسات مالی ایران می‌باشد. ولی غرب در حال حاضر نمی‌خواهد ساختار اصلی تحریمها را تغییر دهد، و به همین دلیل فقط امتیازهای کوچکی را پیشنهاد کرده است که ظاهراً عبارتند از آزادی تدریجی حدود ۵۰ میلیارد دلار اموال ایران در غرب، آزادی معاملات ایران در مورد فلزات قیمتی، مثل طلا، نقره و پلاتینوم (که ایران را قادر خواهد کرد که پول نفت خود را به صورت این فلزات در یافت کند)، آزادی صادرات محصولات پتروشیمی، و دادن قطعات یدکی برای هواپیماهای قدیمی غیر نظامی ایران که از آمریکا و اروپا خریداری شده‌اند

آیا دلایل مخالفت فرانسه با پیش‌نویس موافقت نامه منطقی بود؟

رآکتور اراک که ظاهراً مهمترین نکته مورد اختلاف بود، تا اوائل سال ۲۰۱۵ مورد بهره برداری قرار نخواهد گرفت، و اگر آغاز بکار رآکتور بوشهر مبنا قرار گیرد، حتی ۲۰۱۵ هم بسیار خوشبینانه است. حتی اگر رآکتور از همین لحظه مشغول کار شود، برای اینکه ایران قادر باشد از پلوتونیم که در زباله سوخت رآکتور خواهد بود برای ساخت سلاح هسته‌ای استفاده کند، باید تکنولوژی پردازش دوباره زباله و جدا کردن پلوتونیم از بقیه زباله را داشته باشد، ولی ایران داری این چنین تکنولوژی نیست

در عین حال، اگر رآکتور اراک از همین لحظه مشغول کار شود، ایران هم تکنولوژی پردازش دوباره زباله سوختی را داشته باشد، و همچنین دانش لازم را برای استفاده از پلوتونیم برای ساخت سلاح هسته‌ای کسب کرده باشد - که هیچ‌گونه شواهدی در این مورد وجود ندارد - به دلیل ظرفیت کوچک رآکتور که فقط ۴۰ مگا وات است - مقایسه کنید اینرا با رآکتور ۱۰۰۰ مگا واتی بوشهر - سال‌ها طول میکشد تا زباله سوختی به اندازه کافی پلوتونیم برای یک بمب هسته‌ای تولید کند، و بنا بر این استفاده احتمالی از آن زباله به سال‌ها وقت نیاز دارد

ولی اگر اینها را هم فراموش کنیم، باز احتمال استفاده ایران از رآکتور اراک برای ساخت بمب هسته‌ای

نزدیک به صفر است، چرا که تا زمانی که راکتور تحت حفاظت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است، چنین امکانی وجود ندارد، و اگر ایران تصمیم گرفت که آژانس و قرار داد آن پی‌تی را ترک کرده و به ساختن بمب از طریق پلوتونیم بپردازد، باز دستکم احتیاج به حدود یک سال وقت دارد که فرصت بسیاری است برای دیپلماسی

در عین حال راه حل ساده دیگری هم وجود دارد: ایران قبول کند که زباله هسته‌ای سوخت راکتور اراک را تحویل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای دهد، دقیقاً مثل [موافقت ایران با روسیه](#) که بر طبق آن زباله هسته‌ای سوخت راکتور بوشهر به روسیه تحویل داده میشود. تا آنجاییکه نگارنده اطلاع دارد، در واقع جمهوری اسلامی چنین پیشنهادی را هم به غرب داده است

بنا بر این راکتور ناتمام اراک را بهانه قرار دادن هیچ‌گونه مبنای علمی یا امنیتی ندارد، و فقط برای کار شکنی است. ولی چرا فرانسه بر این موضوع پافشاری کرد؟ آقای علی کشتگر [در مقاله خوب خود](#) دلایل چندی را بر شمرند، و نگارنده به آن دلیل مهم دیگری را اضافه می‌کند

چند هفته پیش [روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داد](#) که پرنس بندر، که مسول تنظیم روابط عربستان سعودی با گروه‌های مخالف دولت سوریه، بخصوص گروه‌های تندرو سلفی است، با یک دیپلمات غربی (که اسمی از آن برده نشد) در جده ملاقات کرد تا [خشم عربستان از عدم حمله آمریکا به سوریه](#)، و امکان توافق [هسته‌ای بین ایران و آمریکا](#) را به غرب ابلاغ کند. در زمانیکه نزدیک بود آمریکا به سوریه حمله کند، عربستان از آمریکا درخواست کرده بود که برنامه خود برای محافظت از میدان‌های نفتی عربستان را در صورت حمله به سوریه با عربستان در میان بگذرد، ولی آمریکا به عربستان اطلاع داد که قادر نخواهد بود آن کار را کاملاً و صد در صد انجام دهد.

در نتیجه عربستان اعلام کرد که به خرید سلاح‌های مدرن جدید برای حفاظت از میدان‌های نفتی خود مبادرت خواهد کرد. مهمترین فروشنده اسلحه به عربستان در چند دهه گذشته آمریکا بوده است، ولی عربستان، بدلیل خشم خود از آمریکا [بندباز منیع اسلحه دیگری](#) است، [صریحاً اعلام کرده است](#) که در روابط خود با آمریکا تجدید نظر کرده، و بندباز بر پائی اتحادهای دیگری است. برای نشان دادن بیشتر خشم خود، عربستان حتی [کرسی دو ساله عضویت در شورای امنیت سازمان ملل را نپذیرفت](#)، که بی‌سابقه است

حال [گزارش شده](#) که آن دیپلمات غربی که با پرنس بندر دیدار کرده است، فرانسوی بوده است که عربستان به ایشان قول خرید اسلحه بسیار زیادی را داده است. در عین حال رئیس جمهور فرانسه، آقای فرانسوا اولاند، قرار است که در [چند روز آینده به اسرائیل مسافرت کند](#). اسرائیل و عربستان هم بر ضد ایران و نفوذ آن در [خاور میانه متحد هستند](#)، و در واقع فرانسه نقش واسطه بین دو کشور را بازی می‌کند. بنا بر این، یک دلیل بسیار مهم برای مخالفت فرانسه با پیش‌نویس قرار داد بین ایران و ۱+۵ این موضوع است. همانطور که [نگارنده در یک مقاله اخیر ذکر کرد](#)، یک محور شیطان‌ی واقعی در حال شکل‌گیری است که مرکب از عربستان، اسرائیل، تندروهای آمریکایی طرفدار اسرائیل، و فرانسه

می‌باشد

در عین حال هم اسرائیل و هم عربستان سعودی مایل نیستند که ساخت راکتور اراک خاتمه یافته، و راکتور آغاز بکار کند، چرا که در آن صورت، امکان نابودی آن از طریق بمباران صفر خواهد بود. بمباران آن راکتور و یا، بعنوان مثال راکتور بوشهر، باعث پخش مواد هسته‌ای در منطقه خواهد شد که یک فاجعه انسانی و محیط‌زیستی نه تنها برای آن ناحیه، بلکه برای کل جهان خواهد بود. دلایل دیگر فرانسه برای مخالفت با توافق هم بی‌پایه هستند. به عنوان مثال احتیاجی به کم کردن درجه

غلظت غنی سازی اورانیوم ۱۹.۷۵ در صد، و یا انتقال آن بخارج از ایران نیست. کافی است که آنرا به میله و صفحات سوختی برای [رآکتور ۵ مگا واتی تحقیقاتی تهران](#)، که سالانه ایزوتوپ لازم را برای هشتصد و پنجاه هزار بیمار ایرانی دارای بیماری‌های سخت مثل سرطان تولید می‌کند، تبدیل کرد. در این صورت تبدیل دوباره میله‌ها و یا صفحات به اورانیومی که قابلیت غنی شدن به سطح ۹۰ در صد را داشته باشد [دیگر عملاً وجود ندارد](#)، چرا که فرایند آن بسیار دشوار، پیچیده و طولانی است، و هیچ نشانی وجود ندارد که ایران دارای چنین دانشی است. در واقع، بر طبق گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، هر بار که ذخیره اورانیوم ۱۹.۷۵ در صد ایران به ۲۴۵ کیلو گرم نزدیک شده، که مقدار لازم برای ساخت یک بمب هسته‌ای است، ایران بخش مهمی از آنرا به میله سوختی تبدیل کرده و از "خط قرمز" غرب و اسرائیل در این مورد دور شده است

در این میان مخالفان وطنی کاهش تنش بین ایران و غرب، بخصوص آمریکا، و رسیدن توافق دیپلماتیک در مورد برنامه هسته‌ای ایران، از تدریج‌های داخلی [مثل مافیای کیهان](#) تا رانت خواران و انهاییکه هویت خود را در محاصره ایران و تنش با غرب می‌بینند، گرفته، تا بخشی از اپوزیسیون که طرفدار تحریم و دخالت به اصطلاح بشر دوستانه است، با انواع و اقسام مختلف مخالفت خود را ابراز میکنند. در واقع یک اتحاد ضمنی بین تمامی اینها به علاوه عربستان، اسرائیل، و تدریج‌های امریکائی بوجود آمده است

اینها آجر شدن نان خود را در صورت توافق پیشبینی میکنند. دیگر بورس‌های تحصیلی فقط به صرف مخالفت با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی داده نخواهد شد؛ [بودجه‌های چند میلیون دلاری](#) برای راهاندازی وبسایت‌ها و مراکز به اصطلاح فکری که فقط به درد اضافه کردن هیزم به آتش جنگ می‌خورند خواهد خشکید، و بودجه‌ها برای فرستادن این آقایان به کشورهایی مثل اردن، مصر، و کویت برای تبلیغ برای آمریکا یا تمام خواهد شد، و یا به کسان دیگر داده خواهد شد

این آقایان یا از درک یک نکته ساده عاجزند، و یا از آن چشم‌پوشی میکنند: بدون کاهش تنش در روابط جمهوری اسلامی با غرب، حل مساله هسته‌ای، و در نتیجه بهبود شرایط اقتصادی کشور، امکان باز شدن فضای سیاسی، آزادی زندانیان سیاسی، و حرکت به سوی یک بحث ملی در مورد ساختار سیاسی کشور امکان نخواهد داشت. اگر حمله آمریکا به عراق و افغانستان فقط دارای یک برنده اصلی بود، آن تدریج‌ها و نیروهای فاشیستی در ایران بودند که به بهانه تهدید بر ضد امنیت ملی کشور، اختناق را هر چه شدید کرده، رانت خواری و غارت ثروت کشور را هر چه بیشتر کرده، و کشور ما را به شرایط کنونی رساندند

دکتر محمد سهیمی، [استاد دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی](#) و سر دبیر وبسایت [اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه](#)، تحلیلگر مسائل ایران می‌باشد که مقاله‌های او در ۱۵ سال گذشته در بسیاری از نشریات و وبسایت‌های انگلیسی به چاپ رسیده است